



جستجوی نظریه مشورتی

جزئیات نظریه

شماره نظریه : ۷/۹۸/۴۷۶

شماره پرونده : ۱۳۹۰-۱۳۹-۴۷۶ ح

تاریخ نظریه : ۱۳۹۸/۰۷/۲۳

استعلام :

سوال: با عنایت به مواد ۴۹۰ و ۴۹۱ و ۴۹۳ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی الف- چنانچه دادگاه دعوی را به داوری ارجاع داده باشد آیا رسیدگی به دعوی ابطال رای داوری در صلاحیت همان شعبه است یا شعبه هم عرض نیز می تواند رسیدگی نماید؟ ب- در فرض اقامه دعوی ابطال رای داوری در هر دو فرض داخل در مهلت ۲۰ روز و یا خارج از مهلت مذکور آیا صرف تقدیم دادخواست موجب توقیف اجرای رای می گردد یا توقیف رای داوری نیاز به اخذ تأمین دارد؟

نظریه مشورتی اداره کل حقوقی قوه قضاییه :

اولا، مقصود از «دادگاهی که دعوا را ارجاع به داوری کرده» مذکور در ماده ۴۹۰ قانون آیین دادرسی مدنی ۱۳۷۹، دادگاه مستقر در آن حوزه قضایی است و نه شعبه ارجاع کننده دعوا به داوری. از سوی دیگر دعوای ابطال رای داور دعوایی مستقل از دعوایی است که ابتدا در دادگاه مطرح شده است. بنابراین گرچه ارجاع دعوای ابطال رای داوری به شعبه مزبور ممکن است دارای اولویت باشد، اما الزامی نیست. ثانيا، صرف تقدیم دادخواست ابطال رای داور با توجه به تصریح ماده ۴۹۳ موجب توقف اجرای رای داور نیست؛ مگر این که دلایل اعتراض قوی باشد که در این صورت دادگاه قرار توقف اجرای رای داور را صادر می کند. اخذ تأمین از خواهان دعوای ابطال به منظور صدور قرار توقف اجرا، الزامی نیست و دادگاه در صورت اقتضا از معترض تأمین اخذ می کند.

نشانی : تهران، میدان حسن آباد، جنب آتش نشانی، کوچه شهید صدری، پلاک ۴۶ و ۴۸ | کد پستی : ۱۱۳۷۹۱۴۶۱۱

تماس با ما : ۰۲۱۶۶۷۵۸۰۰۲۵

پست الکترونیک معاونت حقوقی





جستجوی نظریه مشورتی

جزئیات نظریه

شماره نظریه: ۷/۱۷/۱۳۹۳

شماره پرونده: ۱۳۹۳-۱۳۹۳-۲۷

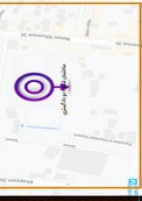
تاریخ نظریه: ۱۳۸۸/۸/۳۱

استعلام:

خواهشمندم در خصوص موارد زیر پس از بررسی نظریه مشورتی آن اداره را به این شعبه اعلام نفرمایید. ۱- دعوی ابطال رای داور مردود اعلام می شود متعاقباً رایی از دادگاه حقوقی یا جزایی صادر می شود که می تواند از موارد ابطال رای داور باشد آیا اقامه دعوی ابطال رای داور مجدد ممکن است یا خیر و در صورت ممکن بودن مهلت پیست روزه از زمان کشف دلیل تازه محاسبه می شود؟ ۲- اقامه دعوی ابطال رای داور مفید به موعده است یا بین چنانچه که چنانچه که موجب بطلان ذاتی است مثل رای خلاف قوانین امره یا رای خلاف شرع و بین جهات بطلان نسبی مثل خارج از موعده صادر شدن رای تفاوت وجود دارد چنانچه در دسمه اول ابطال رای مفید به موعده نباشد معنای آن چیست؟ ۳- درخواست رد اجرای رای داور به لحاظ خلاف قانون بودن یا توقف اجرای رای داور که خلاف قانون اجراییه باید دعوی اصلی در دادگاه اقامه شود؟ ۴- مطابق ماده ۴۷۰ ق.آ.م. ق.صقات از داور طرفین را به داور دعوت کرده مسموع است آیا این ممنوعیت در داور بخلاف قانون بودن یا توقف با توجه به عدم شمول قوانین آیین دادرسی مدنی وجود دارد؟ ۵- آیا اظهارات در اینک به داور طرفین را به داور دعوت کرده مسموع است یا باید دلیلی بر این امر ارائه شود در باب اقرار اگر در رای به اقرار استناد شده باشد کافی است یا در صورت اختلاف در این امر اقرار باید دستور اجرای آن خودداری می کند. ۳- اولاً: هرگاه دادگاه رای داور را غیر قابل اجرا بداند نمی تواند صرفاً موثر بودن در رای داور نیز به صورت مستقل بیان شده است؟ ۶- آیا تعیین مهلت پیش از سه ماه از جانب دادگاهی که داور را انتخاب کرده ممکن است و آیا می توان مدیر شرکت یا مدیر حقوقی شرکت را به عنوان داور مشترک تعیین نمود. حسین انصاری رئیس شعبه ۲۰ دادگاه عمومی حقوقی تهران

نظریه مشورتی اداره کل حقوقی قوه قضاییه:

۱- دعوی ابطال رای داور با توجه به صدر ماده ۴۹۰ قانون آیین دادرسی مدنی مفید به مهلت قانونی پیست روزه است و علاوه بر آن با صدور حکم قطعی از دادگاه راجع به دعوی ابطال رای داور رای صادر شده اعتبار امر مختومه پیدا می کند. لذا امکان طرح مجدد دعوی بطلان رای داور وجود ندارد. متتبی رای صادر شده از دادگاه کفیری یا حقوقی ممکن است در صورت انطباق با یکی از بندهای ماده ۴۹۴ قانون آیین دادرسی مدنی برای اعاده دادرسی مورد استفاده قرار گیرد. ۲- اعتراض و اقامه دعوا مدنی بر ابطال رای داور مفید به مهلت مقرر در ماده ۴۹۰ قانون آیین دادرسی در امور مدنی و تبصره آن است و جهت اعلام-شده مدنی بر بی اعتباری رای داور از سوی معترض از این حیث تأثیری ندارد. با این حال چنانچه مهلت پادشده منقضی شده باشد، هر زمان که تقاضای اجرای رای داور از دادگاه به عمل آید، محکوم-علیه رای داور می تواند بطلان ذاتی رای را به دادگاه خاطرشان سازد. بدینها است در چنین فرضی دادگاه با رعایت به صدر ماده ۴۸۹ قانون پادشده در صورت اجرای بطلان رای داور از صدور دستور اجرای آن خودداری می کند. ۳- اولاً: هرگاه دادگاه رای داور را غیر قابل اجرا بداند نمی تواند صرفاً دستور بایگانی کردن درخواست را صادر کند، بلکه باید تصمیم خود را به طور مستقل و مستند به قانون اتخاذ نماید و چون برای طرفین رای داور، این تصمیم دارای آثار و عواقبی است، باید به آنان ابلاغ شود راجع به قابل تجدیدنظر بودن این تصمیم گرچه ممکن است با توجه به ملاک ماده ۱۷۵ قانون اجرای احکام مدنی این تصمیم قابل تجدیدنظر دانسته شود، اما به لحاظ اصل قطعی بودن آراء دادگاه-های عمومی مذکور در ماده ۳۳۰ قانون آیین دادرسی مدنی ۱۳۷۹ و عدم احصاء تصمیم مذکور در ماده ۳۳۲ این قانون، باید به معنای فقهی بودن آراء خود، تأیید: با توجه به اینکه در صدر ماده ۴۸۹ قانون آیین دادرسی مدنی ۱۳۷۹ قانون آیین دادرسی مدنی ۱۳۸۹ و انقلاب در امور مدنی ۱۳۷۹ و اصلاحیه قانون آیین دادرسی مدنی ۱۳۸۹، تصمیم دادگاه مدنی بر غیر قابل اجرا بودن رای به معنای اتمام بطلان رای داور است؛ لذا پس از ابلاغ تصمیم قطعی دادگاه مدنی بر غیر قابل اجرا بودن رای، در نتیجه به ملک تبصره ماده ۴۹۱ قانون آیین دادرسی مدنی ۱۳۷۹، نمی نفع می تواند دعوی خود را در دادگاه اقامه کند و دادگاه مکلف به رسیدگی است و ضمناً قابلیت اجرایی انداره تصمیم دادگاه مدنی بر غیر قابل اجرا بودن رای به معنای اتمام بطلان رای داور است؛ لذا پس از ابلاغ تصمیم قطعی دادگاه مدنی بر غیر قابل اجرا بودن رای، در نتیجه به راجع به توقف اجرای مذکور در استعلام اگر مقصود قرار توقف اجرای موضوع ماده ۴۹۳ است. ۴- منع قطعی است. ۴- منع قضات و کارمندان اداری شاعل در محاکم قضایی به موجب ماده ۴۹۰ قانون آیین دادرسی در امور مدنی که به منظور صیانت از جایگاه قضات و کارمندان مزبور و حفظ بی طرفی محاکم قضایی به عنوان مرجع نظارت بر داور می باشد، اطلاق آن داور و تبیین-الهی را نیز بر می گیرد. البته در صورت پذیرش و انجام داور از سوی اشخاص یاد شده، به بند ۱ ماده ۳۴ قانون داور داری تجاری بین-الهی مصوب ۱۳۲۴، ممکن است با رعایت به قواعد داور متفاوت حاکم بر داور داخلی و بین-الهی، ضمانت اجرایی متفاوتی اعمال شود اما از جهت ارتکاب تخلف انتظامی یا اداری تفاوتی وجود ندارد. ۵- اولاً با عنایت به ماده ۴۸۵ قانون آیین دادرسی در امور مدنی طرفین می توانند طریق ابلاغ وقت را تعیین کنند و در چنین حالتی داور باید طبق روش تعیین شده طرفین را به جلسه داور دعوت کند و در صورت عدم تعیین روش خاص، باید ابلاغ را به روش (اطمینان-بخش و قابل استناد) انجام دهد و صرف اظهار داور مدنی بر دعوت طرفین برای اجرای انجام ابلاغ کافی نخواهد بود. تأییداً دادگاه در رسیدگی به دعوی ابطال رای داور، صدق یا عدم صدق موارد ذکر شده در ماده ۴۸۹ قانون آیین دادرسی را بررسی می کند و در هر حال در صورتی داور رای خود را مستند به اقرار محکوم-علیه صادر کرده باشد، اصولاً باید اقرار مذکور مستند به ابلاغ (ارسال شده به داور یا صورت جلسه داور باشد وگرنه در صورت تردید، طبق مواد ۱۳۷۸ و ۱۳۸۰ قانون مدنی باید صحت آن در دادگاه احراز شود. ۶- با عنایت به مفهوم مخالف مقام ماده ۴۹۷ قانون آیین دادرسی مدنی ۱۳۷۹ و انقلاب در امور مدنی ۱۳۷۹، ادعای جعل یا تعیین جاعل در مواردی که تعقیب روی ممکن باشد، از مصادیق صدر ماده ۴۸۸ قانون پادشده است. ۷- (الف) مفاد تبصره ماده ۴۸۴ قانون آیین دادرسی در امور مدنی دارای این مفهوم نیست که اگر ارجاع دعوا به داور از سوی دادگاه صورت گرفته باشد، دادگاه می تواند مدت داور را پیش از سه ماه تعیین کند؛ (ب) برای ابلاغ تعیین داور یا ارجاع دعوا به داور از سوی دادگاه در هر حال باید مستند به توافق طرفین باشد و دادگاه رسماً (بدون توافق طرفین) نمی تواند دعوی را به داور ارجاع دهد یا داور تعیین کند. تأییداً از فراز آخر ماده ۴۹۴ قانون یاد شده که مقرر می دارد: «... در صورتی که داوران در مدت قرارداد داور یا مدنی که قانون معین کرده است نتواند رای بدهند... دادگاه به دعوا رسیدگی و رای صادر می نماید» استنباط می شود که مدت داور یا قراردادی است یا قانونی و مدت دیگری (موعد قضایی) وجود ندارد. بنابراین دادگاه نمی تواند مدتی بیش از سه ماه برای داور تعیین کند. (ج) انتخاب اعضاء هیات مدیره یا مدیرعامل شرکت یا یکی از اطراف متنازع است با تراصی طرفین به عنوان داور با توجه به ملاک صدر ماده ۴۹۱ قانون آیین دادرسی در امور مدنی و اینکه شخصیت حقوقی شرکت مستقل از مدیران آن است، فاقد منع قانونی است. /



نشانی: تهران، میدان حسن آباد، جنب آتش نشانی، کوچه شهید صدری، پلاک ۴۶ و ۴۸ | کد پستی: ۱۱۳۹۹۱۴۴۱

پست الکترونیک معاونت حقوقی

تداس با ما: ۰۲۶۲۶۹۵۸۰۳۰۲

طراحی و پیاده سازی: مرکز آمار و فناوری اطلاعات قوه قضاییه



جستجوی نظریه مشورتی

جزئیات نظریه

شماره نظریه : ۷/۱۴۰۰/۱۴۸۹

شماره پرونده : ۱۴۰۰-۳/۱-۱۴۸۹ ح

تاریخ نظریه : ۱۴۰۰/۱۷/۱۱

استعلام :

با عنایت به اینکه رای داورى برابر ماده ۴۸۹ قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹ در موارد باطل بوده و برابر ماده ۴۹۰ از همین قانون هر یک از طرفین می توانند ظرف مدت ۲۰ روز بعد از ابلاغ رای داورى از دادگاه به داورى کرده یا دادگاهی که صلاحیت رسیدگی به دعوی را دارد قانون مارالذکر در صورتی که درخواست ابطال رای داور خارج از موعد مقرر باشد دادگاه قرار درخواست را صادر می نماید و این رای قطعی است حال با توجه به مراتب دوری در مهلت مقرر ابطال رای داورى را به عمل آورند و درخواست محکومله جهت اجرای رای داورى اجراییه صادر گردد آیا در مرحله اجرای رای داورى محکوم علیه رای داورى می تواند مدعی شود که رای داورى مشمول یکی از موارد هفتگانه ماده ۴۸۹ قانون مزبور بوده و از دادگاه بخواهد که از اجرای رای داورى جلوگیری نماید یا خیر به عبارت دیگر آیا قاضی اجرا کننده رای داورى هم دارد که چنانچه تشخیص دهد کرایه داورى منطبق با یکی از شقوق ماده ۴۸۹ می باشد از اجرای آن خودداری نماید یا خیر

نظریه مشورتی اداره کل حقوقی قوه قضاییه :

اولاً، اعتراض و اقامه دعوا مبنی بر ابطال رای داور مقید به مهلت مقرر در ماده ۴۹۰ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹ و تبصره آن است و جهت اعلام شده مبنی بر بی اعتباری رای داور از سوی معترض از این حیث تأثیری ندارد. با این حال چنانچه مهلت یادشده سپری شده باشد، هر زمان که تقاضای اجرای رای داور از دادگاه به عمل آید، محکوم علیه رای داورى می تواند بطلان ذاتی رای را به دادگاه خاطر نشان سازد. بدیهی است در چنین فرضی دادگاه با عنایت به صدر ماده ۴۸۹ قانون یادشده در صورت احراز بطلان رای داور از صدور دستور اجرای آن خودداری می کند. ثانیاً، هرگاه دادگاه رای داور را غیر قابل اجرا بداند، نمیتواند صرفاً دستور بایگانی کردن درخواست را صادر کند؛ بلکه باید تصمیم قضایی خود را به نحو مستدل و مستند به قانون اتخاذ نماید و از آنجا که برای طرفین رای داورى این تصمیم دارای آثار است، باید به آنان ابلاغ شود. در خصوص قابل تجدید نظر بودن این تصمیم هرچند ممکن است با توجه به ملاک ماده ۱۷۵ قانون اجرای احکام مدنی مصوب ۱۳۵۶ این تصمیم قابل تجدید نظر دانسته شود، اما به لحاظ اصل قطعی بودن آراء دادگاه های عمومی مذکور در ماده ۳۳۰ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹ و عدم احصاء تصمیم مذکور در ماده ۳۳۲ این قانون، باید معتقد به قطعی بودن آن بود.

نشانی : تهران، میدان حسن آباد، جنب آتش نشانی، کوچه شهید صدری، پلاک ۴۶ و ۴۸ | کد پستی : ۱۱۳۷۹۱۴۶۱۱

تماس با ما : ۰۲۱۶۶۷۵۸۰۰۲-۵

پست الکترونیک معاونت حقوقی





جستجوی نظریه مشورتی

جزئیات نظریه

شماره نظریه : ۷/۹۷/۲۳۰۴

شماره پرونده : ۲۱۶۳۰-۱۳۹۰۹۶

تاریخ نظریه : ۱۳۹۷/۰۸/۱۵

استعلام :

در خصوص اجرای آرای داورى چنانچه طرفین به رای داور اعتراض نکرده باشند و دادگاه نیز برای رای داورى اجرائیه صادر نموده باشد ولیکن دارای داور خارج از موضوع بوده و یا خلاف نظم عمومی و اخلاق حسنه باشد آیا قاضی اجرا کننده رای دادرسی دادگاه می تواند از اجرای رأیی که خلاف ماده ۴۸۹ قانون آیین دادرسی مدنی می باشد خودداری نماید؟

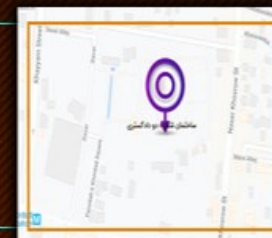
نظریه مشورتی اداره کل حقوقی قوه قضاییه :

اولاً: با توجه به اینکه ماده ۴۹۰ قانون آئین دادرسی دادگاه-های عمومی و انقلاب در امور مدنی برای اعتراض و دعوی بطلان رأی داورى، مهلت تعیین و ماده ۴۹۲ این قانون اعتراض و درخواست ابطال خارج از مهلت را نپذیرفته است، لذا چنانچه اعتراض و درخواست ابطال رأی داورى، خارج از مهلت تقدیم گردد، دادگاه نمی تواند به موضوع رسیدگی و رأی داور را باطل کند و باید قرار رد درخواست صادر نماید اما با توجه به صدر ماده ۴۸۹ همان قانون، رأی داور در صورتی که مشتمل بر یکی از موارد مذکور در این ماده باشد، باطل است و قابلیت اجرایی ندارد، بنابراین هرگاه از سوی یکی از طرفین، درخواست اجرای رأی داور شود، دادگاه مکلف است رأی داور را از جهات مذکور در ماده یاد شده، بررسی کند و اگر طرف دیگر مدعی بطلان رأی داور باشد، چون بررسی رأی داور قبل از صدور دستور اجرا، تکلیف دادگاه می باشد، تذکر یکی از طرفین نیز مورد توجه دادگاه قرار خواهد گرفت. ثانیاً: برابر ماده ۱۱ قانون اجرای احکام مدنی هرگاه در صدور اجرائیه اشتباهی شده باشد، دادگاه می تواند رأساً یا به درخواست هر یک از طرفین به اقتضای مورد، اجرائیه را ابطال یا تصحیح نماید یا عملیات اجرایی را الفاء کند و دستور استرداد مورد اجرا را بدهد. ثالثاً: دادرسی اجرای احکام تنها در امور مربوط به اجرای حکم در حدودی که به وی محول شده است، به عنوان دادرسی علی البدل دادگاه عمل می کند اما چون صدور اجرائیه با عنایت به ذیل ماده ۶ قانون اجرای احکام مدنی توسط رییس یا دادرسی شعبه صادر می شود، ابطال یا تصحیح اجرائیه نیز به عهده همین مقام است و در فرض سوال دادرسی اجرای احکام مراتب را به قاضی متصدی شعبه مربوط اعلام می دارد.

نشانی : تهران، میدان حسن آباد، جنب آتش نشانی، کوچه شهید صدری، پلاک ۴۶ و ۴۸ | کد پستی : ۱۱۳۷۹۱۴۶۱۱

تماس با ما : ۰۲۱۶۶۷۵۸۰۰۲

پست الکترونیک معاونت حقوقی



جستجوی نظریه مشورتی

جزئیات نظریه

شماره نظریه : ۷/۹۹/۵۵۸

شماره پرونده : ۱۳۹-۱۳۹۰/۵۵۸

تاریخ نظریه : ۱۳۹۱/۰۵/۲۲

استعلام :

به موجب رأی داور شخص «الف» به خلع ید و پرداخت مبلغ پانصد میلیون ریال وجه نقد در حق شخص «ب» محکوم و اجرائیه از دادگاه صالح صادر شده است شخص «الف» درخواست ابطال رأی داور به دادگاه تقدیم کرد، که دادگاه به لحاظ خارج از مهلت بیست روزه بودن مستند به ماده ۴۹۲ قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹ قرار رد درخواست صادر کرده است متعاقباً شخص «الف» به طرفیت شخص «ب» دعوی به خواسته ابطال قرارداد داوری طرح می‌کند که رأی بر ابطال قرارداد داوری صادر و در دادگاه تجدیدنظر استان قطعیت می‌یابد. در نتیجه این امر دادگاه بدوی با اجرائیه‌ای مواجه می‌شود که بر اساس رأی داور صادر شده که مبنای پایه آن رأی یعنی قرارداد داوری ابطال شده است؛ اما رأی داور همچنان پابرجاست. با توجه به این که از یک طرف درخواست ابطال رأی داور طبق ماده ۴۹۰ قانون فوق الذکر صرفاً در بازه زمانی بیست روزه از تاریخ ابلاغ رأی داور امکان‌پذیر است و از طرف دیگر رأی داور به شرحی که گذشت، فاقد اعتبار بوده و قابلیت اجرائی ندارد و در واقع سند مستند صدور اجرائیه را نمی‌توان رأی داور در معنای واقعی آن دانست؛ آیا دادگاه صادرکننده اجرائیه می‌تواند در قالب دستور از اجرائیه صادره عدول و طبق ماده ۳۹ قانون اجرای احکام مدنی مصوب ۱۳۷۹ دستور اعاده به وضع سابق بر عملیات اجرائی صادر کند؟ در صورت منفی بودن پاسخ، راهکار قانونی چیست؟ ۲- آیا می‌توان گفت به لحاظ تعارض میان رأی داور و حکم دادگاه مبنی بر ابطال قرارداد داوری، موجبات اعاده دادرسی از رأی داور فراهم شده است؟ به طور کلی آیا اعاده دادرسی نسبت به رأی داور امکان‌پذیر است؟ ۳- بر فرض پذیرش اعاده دادرسی، مرجع صالح برای رسیدگی به اعاده دادرسی دادگاه صادرکننده اجرائیه است یا دادگاه صادرکننده حکم قطعی پیرامون دعوی ابطال قرارداد داوری (دادگاه تجدیدنظر)؟ ۴- فرض سؤال طبق ماده ۴۳۹ قانون مذکور در اعاده دادرسی در صورت مغایرت دو رأی حکم دوم نقض می‌شود؛ در رأی دوم همان حکم دادگاه مبنی بر ابطال قرارداد داوری است و رأی اول رأی داوری است؛ تکلیف دادگاه رسیدگی کننده به اعاده دادرسی در مواجهه با این ماده چیست؟

نظریه مشورتی اداره کل حقوقی قوه قضاییه :

۱. ۲ و ۳- اولاً، با توجه به این‌که اعاده دادرسی به عنوان یکی از طرق فوق‌العاده شکایت از آراء فقط در موارد مصرح در قانون، امکان‌پذیر است و در قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹ امکان اعاده دادرسی از آرای داوری توسط داور پیش‌بینی نشده است، اساساً اعاده دادرسی از آرای داوری ممکن نیست؛ مگر در مورد آرای مشمول قانون داوری تجاری بین‌المللی مصوب ۱۳۷۶ که موضوع مشمول بند ۲ ماده ۳۳ آن قانون باشد. ثانیاً، حکم صادره از دادگاه که متعاقب درخواست ابطال رأی داور صادر می‌شود، تابع احکام مقرر برای شکایت از آراء از جمله در خصوص اعاده دادرسی است. بنابراین، چنانچه پس از مردود اعلام شدن دعوی ابطال رأی داور، حکمی از دادگاه مدنی یا جزایی صادر شود که با فرض موجودیت آن در زمان رسیدگی به درخواست ابطال رأی داور می‌توانست مؤثر تلقی شود، این امر موجب نمی‌شود که دعوی ابطال رأی داور مجدداً قابل طرح و رسیدگی باشد؛ اما در صورتی که موضوع با یکی از بندهای ماده ۴۲۶ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹ منطبق باشد، ممکن است موجبات اعاده دادرسی نسبت به رأی دادگاه را فراهم آورد و یا از موارد اعمال ماده ۴۷۷ قانون آیین دادرسی کفیری مصوب ۱۳۹۲ باشد که تشخیص مصداق حسب مورد با دادگاه رسیدگی‌کننده است. ثالثاً، اعتراض و اقامه دعوا مبنی بر ابطال رأی داور مقید به مهلت مقرر در ماده ۴۹۰ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹ و تبصره آن است و جهت اعلام شده مبنی بر بی‌اعتباری رأی داور از سوی معترض از این حیث تأثیری ندارد. با این حال چنانچه مهلت یادشده منقضی شده باشد، هر زمان که تقاضای اجرای رأی داور از دادگاه به عمل آید، محکوم‌علیه رأی داوری می‌تواند بطلان ذاتی رأی را به دادگاه خاطر نشان سازد. بدیهی است در چنین فرضی دادگاه با عنایت به صدر ماده ۴۸۹ قانون یادشده در صورت احراز بطلان رأی داور از صدور دستور اجرای آن خودداری می‌کند. رابعاً، هرگاه دادگاه رأی داور را غیر قابل اجرا بداند، نمی‌تواند صرفاً دستور بایگانی کردن درخواست را صادر کند؛ بلکه باید تصمیم قضایی خود را به نحو مستدل و مستند به قانون اتخاذ کند و از آن‌جا که برای طرفین رأی داوری این تصمیم دارای آثار است، باید به آنان ابلاغ شود. در خصوص قابل تجدیدنظر بودن این تصمیم هرچند ممکن است با توجه به ملاک ماده ۱۷۵ قانون اجرای احکام مدنی مصوب ۱۳۵۶ این تصمیم قابل تجدیدنظر دانسته شود، اما به لحاظ اصل قطعی بودن آراء دادگاه‌های عمومی مذکور در ماده ۳۳۰ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹ و عدم احصاء تصمیم مذکور در ماده ۳۳۲ این قانون، باید به قطعی بودن آن معتقد بود. خامساً، بنا به مراتب فوق در فرض سؤال که رأی داور برابر تصمیم قطعی دادگاه غیر قابل اجرا اعلام شده است، رأی یادشده گان‌لمیکن تلقی و ذی‌نفع می‌تواند برای احقاق حق خود به دادگاه مراجعه کند. ۴- حکم مقرر در ماده ۴۳۹ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹ ناظر بر تعارض احکام صادره از دادگاه است و فرض سؤال صرفنظر از آن‌که احکام صادره از داور و دادگاه را نمی‌توان در معنای خاص حکم معارض تلقی کرد، از شمول ماده یادشده خروج موضوعی دارد.

نشانی : تهران، میدان حسن آباد، جنب آتش نشانی، کوچه شهید صدری، پلاک ۴۶ و ۴۸ | کد پستی : ۱۱۳۹۱۴۶۱۱

پست الکترونیک معاونت حقوقی

تلفن : ۰۲۶۶۷۵۸۰۰۲-۵

